

الهام ملكزاده  
دانشجوی دکتری تاریخ - دانشگاه الزهرا تهران  
عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی شهر ری  
Malekzadeh\_elham@yahoo.com

نگاهی به انجمن‌های زنان ارمنی تهران در تاریخ معاصر  
چکیده:  
در مقاله حاضر ضمن اشاره به فعالیت‌ها و تشکلهای انجمن‌های خیریه زنان ارمنی،  
تلاش شده است، عوامل مؤثر در پیدایش و ظهور این تشکلهای تبیین گردد. در میان این  
عوامل، انگیزه‌های دینی، رشد افکار نوین به ویژه افکار ناسیونالیستی در شکل‌گیری این  
تشکلهای تأثیر داشته‌اند، همچنین آرامنه به عنوان یک اقلیت از طریق این انجمن‌ها، تلاش  
می‌کردند تا هویت خود را حفظ و تقویت کنند.

کلید واژه:  
زنان ارمنی، انجمن‌های خیریه، ارمنی‌های ایران، تاریخ تهران.

مقدمه

ارمنیان دارای تمدنی بسیار کهن هستند. از قرن ششم قبل از میلاد سرزمین‌های آنان به تصرف ایرانیان در آمد و به مدت دو قرن ادامه داشت. در این مدت تغییرات فراوانی در زندگی ارامنه به وجود آمد که همراه با پیشرفت‌های اقتصادی بود. پس از آن نفوذ تمدن یونانی در ارمنستان شکل گرفت و حکومت‌های پی در پی حاکم شدند تا سال 1301 میلادی، ارمنستان اولین کشور جهان بود که مسیحیت مذهب رسمی آن شد. در سال 1605 میلادی در دوران حکومت شاه عباس صفوی، مهاجرت اجباری ارامنه به ایران انجام گرفت و حوزه جغرافیایی اقامت آنان تا مرکز سیاسی اقتصادی ایران، اصفهان، گسترش پیدا کرد. ارامنه با توجه به استعدادی که داشتند در رشد صنایع زرگری، قالی بافی، نساجی، رنگ رزی نقش تعیین کننده‌ای از خود نشان دادند. امروز ارامنه گروهی از اقلیتهای ایرانی هستند و با داشتن حدود دو هزار واحد اقتصادی در بسیاری از سازمان‌های علمی پژوهشی مشغول هستند. در بخش فرهنگ در سده اخیر حدود هشتاد و پنج نشریه ارمنی و هزاران جلد کتاب ارمنی در ایران به چاپ رسیده است. تنها در موزه وانک اصفهان هفتصد و پنجاه نسخه خطی نگهداری می‌شود. در بخش صنعت و هنر نیز ارامنه منشأ خدمات فراوانی هستند.

### نگاهی بر ارامنه ایران

تأثیر غرب بر ایران که از ابتدای قرن سیزدهم خود را به صورت فشارهای نظامی منجر به عهدنامه‌های ننگین گلستان و ترکمان چای و پس از آن عهدنامه پاریس، نشان داد و جای پای دول روس و انگلیس را در این سرزمین مستحکم‌تر نمود. به همان اندازه که موجبات دخالت‌های سیاسی و اقتصادی به نفع این دو کشور را فراهم ساخت، دو راه نفوذی تسلط بر بازار اقتصادی و تماس اندیشه‌ها در قالب نهادهای جدید آموزشی مفاهیم و آمال جدید، مشاغل تازه، ظهور طبقه جدیدی تحت عنوان روشن فکران با جهان بینی حاصل از تحصیلات نوین، بیشتر از گذشته شرایط را به سمت انفجاری اجتماعی و اجتماعی و حرکتی عظیم جهت ایجاد ایرانی نوین پیش برد. شرایطی که مردان منورالفکر

متأثر از آرای غربی علی‌الخصوص روشنگری فرانسوی، تصمیم گرفتند در برابر سیاست‌های غلط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی رژیم استبدادی قاجار استقامت کنند و با نگاهی تازه به آینده با هدف واحد توجه داشته باشند<sup>1</sup>. در این بین نقش زنان روشنفکر را نباید نادیده گرفت که هم پای مردان در برابر عناصر حکومتی ایستادگی کردند و به ویژه در دومین حرکت مشروطه خواهان طی دوران استبداد صغیر از خود جوشش و کوشش بسیار به خرج دادند. منابع موجود و اسناد به جای مانده از این دوران گواه این مدعاست که پرداختن به آن از عهده این نوشتار خارج است.

در این راستا نباید از هم‌وطنان ارمنی و مجاهدان روشن‌فکری غافل شد که به مثابه بازوی محرکه نهضت مشروطه، از جایگاهی خدشه‌ناپذیر برخوردارند. مسلماً در طول تاریخ معاصر ایران، نقش غیرقابل انکار ارامنه به عنوان با اهمیت‌ترین اقلیت قومی و دینی این مرز و بوم در تحولات حساس تاریخ قبل، بعد و در زمان انقلاب مشروطه دارای موقعیتی ویژه است. لذا حذف نام و یاد ایشان و درصداً آن مجاهدانی چون پیرم، غیر قابل تصور و به عنوان بخشی از هویت ملی ایرانی، ذکر آنها دارای اهمیت ممتازی می‌باشد.

این هم‌وطنان مسیحی که با سابقه حضوری بیش از چهارصد سال در سرزمین ما زندگی می‌کنند، در شهرهای مهمی چون تبریز، اصفهان، همدان، شیراز، اهواز، آبادان، مشهد، قزوین، رشت و بسیاری نقاط دیگر پراکنده‌اند و به صورت متمرکز در پایگاه‌های مهم ارمنی نشین اصفهان (جلفا)، تبریز و بعداً تهران از موقعیت و امکانات خاصی برخوردار بوده‌اند.

در این نوشتار، ابتدا با اشاره‌ای گذرا به چگونگی تأثیر پذیری ارامنه پیشرو انقلاب مشروطه از مفاهیم و اندیشه‌های برگرفته اروپا، حضور و وجود زن ارمنی در قالب‌های نوین انجمن‌های مختلفی که دارای قدمتی تقریباً صد ساله هستند، ذکر می‌شود. پس از آن به اولین انجمن‌های زنان ارمنی تهران به عنوان آخرین مقرر مهم سکونت ارامنه در طی قرون 17 و 18 میلادی که علی‌القاعده عده زیادی از نیکوکارانی بوده‌اند و تأسیس مراکز دینی و آموزشی، به ساخت مؤسسات خیریه، کتابخانه‌ها، موزه‌ها و همچنین تأسیس

صندوق‌های گردآوری اعانات به منظور کمک به محصلین و دانشجویان نیازمند مبادرت ورزیدند.<sup>2</sup> از آن جمله: جمعیت خیره نسوان ارامنه تبریز، (آذربایجان)<sup>3</sup> انجمن امور خیریه آبکاریان جلغا (اصفهان)، انجمن حمایت بینوایان زنان ارامنه (جلغا)، انجمن مادران ارامنه جلغا، انجمن خیریه زنان ارامنه جلغا را اشاره می‌شود که هر یک با سابقه فعالیتی بسیار زیاد کماکان به اشکال مختلف به حمایت و کمک مستمندان و بی‌بضاعتان و همچنین سالمندان اشتغال دارند.<sup>4</sup>

روند تأسیس انجمن خیریه زنان ارمنی تهران ارامنه از دو شاهراه قفقاز و اروپا، جزو اولین گروه‌هایی بودند که با تحولات و اندیشه‌های سیاسی غرب آشنا شدند. ضمن آن که به واسطه تعلیمات کلیسایی و آزادی‌های اجتماعی که آنان را اعم از زن و مرد ملزم به داشتن سواد می‌کرد، زودتر از سایر هم‌وطنان ایرانی خود از سطح دانش بالاتری برخوردار شدند که با عنایت به همین موضوع می‌توان از نقاط متمایز و جنبه‌های قوت زنان ارمنی در مقایسه با زنان ایرانی باسواد بودن را نام برد. به هرحال، از طریق دو کانال فوق‌الذکر، ارامنه هم با اندیشه‌های سوسیال دموکراسی که بهترین موقعیت انتشار را داشتند و هم از طریق روشن فکران ارمنی مقیم اروپا با اندیشه‌های مشروطه‌خواهی برخاسته از لیبرالیسم اروپایی، مطلع شده، در نتیجه مردان سیاست پیشه و روشنفکر مشروطه‌خواه ارمنی همچون روشن فکران و تجددطلبان ایرانی به دو جناح چپ و راست تقسیم شدند که همین جناح‌بندی تأثیر زیادی بر روند استقرار مشروطه و احزاب سیاسی منبث از آن گذاشت. ضمن آن که مسایل حقوقی و فرهنگی و در راس آن مبحث مهم و جنجالی چون آزادی زنان را به میان آورد.<sup>5</sup> در این شرایط زنان ارمنی وابسته به خانواده‌های روشنفکر مانند خواهران مسلمان خود متأثر از برادران، پدران و همسران آزادی‌خواه و متجدد خود بودند از جناح بندی‌های فکری و سیاسی مذکور فارغ نبوده در جریان فعالیت‌های خود و در رأس آن فعالیت‌های اجتماعی، تحت تأثیر افکار چپ یا راست، متمایل به اجرای اهداف جناح‌های متبوع خود شدند.

چنان که اشاره شد، در مبحث آزادی زنان، باید از جمله فعالان حقوق زنان، به آن‌هاید داویدیان زن پیرم‌خان از سران مجاهدین مشروطه اشاره نمود که به دنبال فتح تهران و ریاست همسرش در سمت رییس پلیس تهران، با گردآوری گروهی از زنان بر ضد استقراض خارجی دست به اقداماتی زد<sup>6</sup>. او با تسلط به سخن‌وری سعی در جذب زنان دیگر برای پی گرفتن جنبش زنان مبادرت ورزید<sup>7</sup>. ضمن آن که بعدها در یکی از جلسات مجلس دوم شورای ملی یوسف میرزایانس نماینده ارامنه، خواستار حقوق مدنی زنان شده بود<sup>8</sup>.

زنان ارمنی در طی این دوران با عنایت به دست یافتن به نیروی تاثیرگذاری چون سواد و توان خواندن و نوشتن، زودتر از زنان دیگر به فعالیت‌های اجتماعی وارد شده و از حضوری پر رنگ‌تر برخوردار بودند. ضمن آن‌که با توجه به وابستگی‌های حزبی خود برای اجرای اهداف حزبی‌شان فعالیت‌های فرهنگی می‌کردند. انجمن زنان ارمنی وابسته به حزب سوسیال دموکرات هنجاک که به زبان ارمنی و بر اساس نمایش نامه‌های گریگوریکیان و با هنرمندی همسر وی آستوریک یقیکیان از اولین زنان بازیگر تئاتر و خواننده‌های اپرا به شمار می‌رفت نمایش‌هایی اجرا می‌کردند<sup>9</sup>. یا در طی سال‌های 1917 و 1916 که جمعی از زنان وابسته به انجمن خیریه زنان ارمنی تهران، ابتدا برای زنان دربار، رجال قاجاری و در آخر به صورت عمومی به اجرای نمایشی پرداختند که این بار عواید حاصل از فروش بلیط آن را صرف مخارج مدارس ارمنی زبان و فارسی زبان کردند که در جای خود بدان اشاره می‌شود<sup>10</sup>.

نکته دیگر فعالیت‌های مربوط به روشن‌گری زنان نسبت به حقوق خود، صرفاً در بین زنان ارمنی مورد تشویق نشده بلکه می‌توان از یک انقلابی ارمنی به نام باغا آنوف قفقازی نام برد که از جمله فعالان مشروطه خواه بود با زنان وابسته به طبقات اشرافی قاجار ارتباط گرفته، سعی در آشنا کردن آنها با حقوق زنان و بحث در این چنین داشت<sup>11</sup>. با این توضیحات می‌توان چنین جمع‌بندی کرد که زنان ارمنی دچار همان وضعیت محدودکننده و مشکلات عدیده در مسایل خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی و ... بودند که

سایر زنان ایران با آن روبرو بودند. اما از آن جا که علاوه بر یکسانی شرایط سخت جامعه، ایشان به واسطه توفیق بیشتر در داشتن سواد، دارای موقعیتی بهتری نسبت به زنان ایرانی بودند. در مورد وضعیت حاکم بر ایران قرن سیزدهم قمری/نوزدهم میلادی، که روند نهضت استقرار حکومت قانون را موجب شده بود. از میزان درک و استنباط بیشتری در مورد شرایط موجود جهان غرب هم برخوردار باشند و دغدغه‌هایی اضافه بر زنان ایرانی را با خود حمل نمایند.

بدین معنا که در قرن نوزدهم دنیای غرب با اوج تفکرات ناسیونالیستی و استقلال طلبی قومیت‌های مختلفی چون ساکنان دولت‌های اتریش، مجارستان، پروس، ایتالیا و... و ارمنستان رو در رو بود که در این بین زنان ارمنی ساکن ایران همچون مردان خود رویایی ایجاد ارمنستان مستقل را در سر پرورش می‌دادند و حفظ هویت قومی خود را به عنوان بزرگترین دل مشغولی از هر موقعیتی و هر شرایطی برتر و ارجح می‌دانستند. در بحبوحه نهضت‌های ناسیونالیستی که آوازه تحریکات‌شان در اروپا به زنان ارمنی ایران هم رسیده بود، در راستای وظیفه قومی و دینی خود از بیم از دست دادن هویت خود در دریای کشور مسلمان و شیعه مذهبی چون ایران دست به اقداماتی بزنند که در نوع خود از درهم پاشیدن بنیان و نهاد قوم ارمنی و خانواده‌های ارمنی که دارای شرایط متفاوت زیستی هستند جلوگیری کنند. آنان در شرایط جدید با مسایل ناخواسته‌ای روبرو شدند که ممکن بود موقعیت آرامنه را در ایران متزلزل نماید و یا به دغدغه‌های بیشتری بیانجامد. به همین دلیل آنان در ابتدا از هر گونه جنبه سیاسی دوری گزیدند و صرفاً به لحاظ تربیت دینی آرامنه ساکن ایران (مانند سایر آرامنه جهان) که توجه به همان دینان فقیر خود را جزو واجبات می‌شمردند، پرداختند. از آن جا که هدف نهایی این حرکت به منظور رساندن سطح زندگی تمام آرامنه در ایران یا بهتر گفته شود تهران که در نهایت با یک همسانی موقعیت شرایط برای رسیدن به استقلال و اتصال به ارمنستان واحد میسر بود به یک حرکت سیاسی تبدیل گردید که شاید نوعی آماده سازی جامعه ارمنی در سطوح اجتماعی مختلف برای نیل به هدف نهایی بود، هر چند که این تصور یعنی تشکیل کلیسا، مدرسه، تشکلات

خاص، سازمان‌های عام‌المنفعه و خیریه در بین تمامی ارمنه که در نقاط مختلف دنیا پراکنده هستند به عنوان سنتی جهت حفظ دین، زبان و فرهنگ و بسط و گسترش آن به عنوان یکی از وظایف هر ارمنی شناخته شده است<sup>12</sup>.

بدین ترتیب پیش از استقرار حکومت مشروطه و در همان آغاز حرکت‌های آزادی‌خواهان، جمعی از زنان تحصیل کرده، متمول و خیرخواه و نیکوکار ارمنی گرد هم آمده و با این مجموعه از عوامل مختلف انسان دوستانه، شرایط موجود اجتماعی، تفکرات روشن فکرانه و در عین حال دوراندیشانه‌شان به سرپرستی کاتارینه داویرخانیان همسر ماردیروس امیرتومان، دست به حرکتی جدید زدند که در ایران در نوع خود بی‌نظیر بود. ایجاد اولین انجمن خیریه زنان ارمنی تهران که در سیزدهم اکتبر 1905م/1284ش/1322ق با اهداف زیر موجودیت خود را اعلام داشت.

- کمک به افرادی که توانایی اشتغال ندارند.

- کمک‌های پزشکی و دارویی به بیماران

- ایجاد اشتغال برای بیکاران

تأمین خوراک، پوشاک، زمینه تحصیلی برای فرزندان و افراد بی‌بضاعت و در نهایت کمک به خانواده‌ها و در راس آن زنان ارمنی مستمندی که با این حمایت‌ها تا حدی سطح زندگانی آنها ارتقاء یافته، فاصله بین ارمنه فقیر و غنی کمتر در جهت همبستگی قومی و ملی ایشان فاصله‌ها را کمتر کرده باشند.

ادوار فعالیت‌های انجمن خیریه زنان تهران  
انجمن خیریه زنان ارمنی تهران که حدود یک صد سال از تأسیس آن می‌گذرد و با تقسیم فعالیت‌های آن در سه دوره زمانی تاکنون به عنوان دیرپاترین انجمن خیریه زنان در تهران به صورتی کاملاً نهادینه و قانون‌مند به کار خود ادامه می‌داد. رئوس فعالیت ادوار مذکور را می‌توان بدین شرح اشاره نمود:

1- دوره اول از 1905 تا 1921، که هیات مدیره انجمن با برپایی مجالس جشن و پیک‌نیک، مسابقه و قرعه‌کشی، نمایشی، سیرک و جمع‌آوری هدایا به تقسیم عواید حاصله بین محصلین مدارس و افراد مستمند و یتیم می‌پرداختند. ضمن آن که در بحبوحه درگیری‌های مشروطه، در قالب فعالیت‌های صلیب سرخ زنان ارمنی تهران به مداوای مجاهدان زخمی اشتغال داشته است. در طی سال‌های 1913 تا 1915 هم کتابخانه‌ای را به منظور استفاده علاقمندان به طور رایگان دایر کردند. چنان که ذکر شد برپایی نمایش‌های متعدد هم از جمله کارهایی بود که انجمن خیریه زنان ارمنی تهران برای جمع‌آوری اعانات از محل فروش بلیط‌های نمایش انجام داده است.

آناهید اویدیان همسر پیرم که از جمله زنان عضو انجمن خیریه محسوب می‌شد در سال 1332/1918 ق، با اهدای خانه‌ای کوچک به انجمن، موجب شد تا اولین کودکستان ملی آرامنه برای استفاده عموم کودکان ارمنی بی‌بضاعت تأسیس شود. البته در همان سال‌ها به دلیل بروز جنگ جهانی اول و مشکلات ناشی از آن، شورای آرامنه تهران به انحلال تمام انجمن‌های مستقل رأی داده، در زیرمجموعه سازمان (سازمان انجمن صلیب سرخ زنان ارمنی) تمام اعضای انجمن‌ها من جمله انجمن خیریه زنان ارمنی تهران را مامور انجام وظایف محوله‌شان نماید.

2- دوره دوم از 1930 تا 1975 میلادی

در دوره دوم، به مدت نه سال وقفه‌ای در فعالیت‌های انجمن بروز نمود که پس از آن با توجه به نیاز زمان، دوباره در سیزدهم نوامبر 1930 م/1308 ش، انجمن بازگشایی شد. عده زیادی از ایتمام و محصلان مستمند ارمنی ساکن تهران و اطراف آن تحت پوشش



قرار گرفته، پوشاک و لوازم التحریرشان تأمین می‌شد. همچنین بیماران بی‌سرپرست و بی‌بضاعت از کمک‌های پزشکی، دارویی، مالی و خوراکی هنگام مرگ، هزینه کفن و دفن آنها بر عهده انجمن قرار گرفت. این هزینه‌ها هم از حق عضویت بانوان اعضا، هدایا، اعانات و برپایی مراسم بود<sup>13</sup>.

از مهم‌ترین اقدامات اعضای این انجمن همچون سایر انجمن‌ها و زنان ارمنی که همانند وظیفه‌ای ملی برای آنها حائز اهمیت بود، رسیدگی به وضعیت آموزش زبان ارمنی برای کودکان ارمنی بود. زیرا سیاست‌های رضاشاه پیش از سفر ترکیه در سال 1334 ش/ 1936 م، این بود که کلیه مدارس ارامنه تعطیل شود. انجمن خیریه زنان ارمنی در این شرایط علاوه بر اهتمام به امر تدریس، به ایجاد کتابخانه مجهزی برای تأمین منابع مورد نیاز اقدام کرد. در سال 1956 م/ 1334 ش هم برای پوشش دادن به سالمندان بی‌خانمان و با جمع‌آوری هدایا به تاسیس آسایش‌گاهی پرداختند.

3- دوره سوم از 1975 تاکنون.

در دوره سوم تاسیس سرای سالمندان کماکان جزو برنامه‌های اساس انجمن بود. لذا در سال 1975 م/ 1353 ش، در محله خیابان بهار شیراز سالمندانی به نام سوسه ماریک تاسیس شد که فعالیت آن تا کنون تحت نظارت انجمن و اداره بهزیستی استان تهران با دریافت هزینه‌ای مختصر ادامه دارد. دیگری به نام گئورک مقدس در حوالی کلیسایی به همین نام، به طور رایگان و با داشتن حمایت‌های پزشکی بیماران بی‌بضاعت را تحت پوشش قرار داده تاسیس گردید که در حال حاضر حدود 25 زن و مرد مسن را هم در خود جای داده است.<sup>14</sup> این انجمن با صدور کارت بین خانواده‌های مستمند ارمنی هر دو ماه یک بار به توزیع کمک‌های نقدی و سالانه به صورت کمک‌های جنسی و اهداء لباس و خوراک، مایحتاج این خانواده‌ها را تأمین می‌کند. علاوه بر آن در مدارس، دبیرستانها و دانشگاه‌ها، جوانان بی‌بضاعت ارمنی را شناسایی و نسبت به ارائه کمک هزینه تحصیلی‌شان اقدام می‌کند.<sup>15</sup> ریاست این انجمن را یک از اعضای پایه‌گذار انجمن هایگین (زنان)، یعنی خانم هاسمیک کاراپتیان عهده‌دار است.

انجمن خیریه زنان ارمنی تهران در آستانه یک صدمین سالگرد تاسیس آن در تکاپوی برپایی مجلس باشکوهی در اردی بهشت ماه 1384 شمسی بود که بدین لحاظ روزهای پرمشغله‌ای را هم پشت سر گذاشت.

انجمن خیریه آرامنه (زنان) به فاصله یک سال بعد از تاسیس انجمن خیریه زنان ارمنی تهران (پانزدهم آوریل 1906) یکی از برجسته‌ترین و مشهورترین آرامنه ساکن قاهره به نام نوبرپاشا در این شهر انجمنی به نام انجمن خیریه آرامنه را تاسیس کرد که در مدت زمانی کوتاه در تمام کشورهای ارمنی‌نشین جهان من جمله ایران اشاعه یافت. این انجمن در سال 1932 م توسط گروهی از مردان ارمنی ساکن ایران تاسیس شد و تحت نام آخ گاداخ نام یا به تعبیری گروه طرفداری از بینوایان، یا سرپرستی فقرا آغاز به کار کرد. در این بین تعدادی از زنان نیز با مراجعه به محل انجمن خواستار فعالیت مستقل شده که در سال 1935 م این امر تحقق یافت. از آن پس انجمن خیریه آرامنه که با منشایی خارج از ایران تاسیس و مورد حمایت‌های مداوم مالی که تاکنون نیز ادامه دارد، نسبت به درمان بیماران، کاریابی برای بیکاران، اسکان بی‌خانمان‌ها و سایر حمایت‌های خیریه اقدام کرده است. اولین رییس هیات مدیره انجمن که یکی از نجات یافتگان قتل عام 1915 م توسط دولت عثمانی خانم آستخ ئیک شیشمانیان بود که مدت 55 سال در این سمت را دارا بود.

این انجمن در طی سال 1946 م که سیل مهاجران آرامنه به ارمنستان آغاز شد بیشترین تجمع کاری را متحمل شد. زیرا اکثر مهاجران که از دهات، شهرهای مختلف به تهران آمده سپس راهی ارمنستان می‌شدند، نیاز به یک سلسله هماهنگی‌های لازم برای اسکان موقت، سامان دادن به حرکت کاروان مهاجر، تامین آذوقه و ... داشتند. از همه مهم‌تر با توقف مهاجرت‌ها، انجمن خیریه آرامنه بیشترین فشارکاری را به خود دید که در نهایت با انتخاب محلی در نزدیکی شهر کرج، جلفا و اطراف تهران، این افراد را ساکن نموده، به طور شبانه‌روزی زنهای انجمن خیریه به تامین لباس مهاجران اشتغال داشتند. در

این شرایط آن چه که بیشترین موقعیت تامین مایحتاج افراد مذکور را فراهم ساخته بود کمک‌های خارجی بود که تا حد زیادی از فشار کاری و روحی اعضای انجمن را کم نمود. روزهای یکشنبه هیات مدیره انجمن توسط خانم آستخ نیک بابایان کارپتیان سومین و آخرین رئیس هیات مدیره انجمن خیریه ارامنه است تشکیل جلسه داده و فعالیت‌های انجمن را مورد بررسی و برنامه‌ریزی‌های جدید قرار می‌دهد.<sup>16</sup>

#### انجمن هایگین

چنان که گفته شد زنان ارمنی در تمام ادوار زندگی خود برای حفظ موقعیت قومی و ملی خود، و بر پایه آموزه‌های دینی، شدیداً به حفظ موجودیت زن و مادر ارمنی دلبسته بودند. این توجه و دلبستگی هم زمان با تعطیلی مدارس ارمنی زبان که در 1314ش/ 1939م به دستور رضاشاه صورت گرفت، موجب شد تا ترس از دست رفتن زبان قومی و به دنبال آن خلاء ناشی از تعطیلی کلاس‌های ارامنه گروهی از دانش‌آموزان مدرسه نوربخش تهران که این نگرانی و تشویش را بیشتر داشتند بر آن داشت تا ابتدا در منازل خود و بعد در کلوپ ارامنه به تشکیل انجمنی به نام انجمن هایگین یا انجمن ارمنی مبادرت نمایند.

مؤسسین این انجمن که 9 نفر بودند با این هدف که هر زن ارمنی به عنوان یک معلم باید زبان مادری خود را به کودکان تعلیم دهد، با امکانات محدودی شروع به فعالیت کردند و با ایجاد اساس نامه‌ای در 7 ماده به گردهم‌های منظم به منظور آشنایی با موضوعات فرهنگی، دینی، علمی، اجتماعی و ... برای ارتقاء سطح دانش زن و با حضور استادان و کارشناسان و نیز ترجمه و تدوین متون مختلف در زمینه‌های فوق‌الذکر پردازند. از دیگر بندهای این اساس‌نامه پرداخت بخش از هزینه تحصیلی دانشجویان ارمنی، بالا بردن تعهدات زن ارمنی در حفظ اصول اخلاقی و تعالیم دینی، برپایی نمایشگاه‌های مختلف هنرهای دستی زنان ارمنی، بازدید از مراکز فرهنگی و هنری و تشکیل کلاس‌های سواد آموزی برای زنان بی‌سواد و یا کم سواد ارمنی بوده است.

این انجمن که حدود 65 سال از تاسیس آن می‌گذرد تاکنون بیش از 14 رئیس را به خود دیده است در حال حاضر خانم لوریک سمروجیان نازاریان ریاست این انجمن را بر عهده دارد. حدود 79 نفر که اغلب مسن هستند و هر سه‌شنبه جلساتی را بر پا می‌کنند عضو انجمن هستند. بیشترین تلاش این انجمن بر پایه حفظ زبان و رسوم و جایگاه زن ارمنی بوده است.<sup>17</sup>

#### نتیجه‌گیری

در ایجاد تشکل‌های خیریه زنان ارمنی، دلایل و انگیزه‌های مختلفی وجود دارد. در میان این انگیزه‌ها می‌توان به تعالیم آیین مسیح و سنت مرسوم در میان مسیحیان مبنی بر رسیدگی به امور فقرا و نیازمندان اشاره کرد. در همین راستا مؤسسات وقفی بزرگ وابسته به کلیساها در تمام کشورهای مسیحی فعالیت زیادی دارند. البته در قرون جدید و بر اساس رشد افکار اومانیستی که اقدامات خیریه کلیساها را الزاماً کار آمد ندانسته و با تمام امکانات و سرمایه‌هایی که وجود داشت این هزینه‌ها شاید به دست نیازمندان واقعی نمی‌رسید و به عبارت دیگر حیف و میل می‌شد، همین امر موجب گردید تا برای سازماندهی این کمک‌ها از یک سو و خارج کردن آن از قوالب مذهبی، توجه به آرمان‌های بشر دوستانه را ملاک کار خویش قرار دهد.

ارامنه ایران هم با همین پیش زمینه‌ها دست به تأسیس انجمن‌ها خیریه زدند البته در کنار این اهداف، حفظ و تقویت هویت جامعه ارامنه که به عنوان یک اقلیت در جامعه مطرح بودند نیز مدنظر آنان بود. در ضمن از طریق این تشکلهای، زنان ارمنی تلاش می‌کردند که از رواج تکدّی‌گری در میان ارامنه که وجاهت و شخصیت جامعه ارمنی را در معرض تهدید و آسیب قرار می‌داد، جلوگیری نمایند.

## یادداشت‌ها

- 1- آبراهامیان، یرواند، ایران بین دو انقلاب، ترجمه محسن مدیر شانه چی و دیگران، تهران، نشر مرکز، 1377، ص 74.
- 2- لازاریان، ژانت، دانش‌نامه ایرانیان ارمنی، تهران، هیرمند، 1382، ص 149-150.
- 3- مجموعه اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، به شماره 2960006905/1-11، تحقیقات میدانی، مصاحبه با آقای توپوزیان، شورای خلیفه گری تبریز.
- 4- میناسیان، لئون، تاریخ ارمنیان جلفای اصفهان در یکصد و چهل سال اخیر، ترجمه محمد علی موسوی فریدلی، اصفهان، گلبن، 1383، ص 79-81.
- 5- آبادیان، حسین، «ارمنیان و انقلاب مشروطیت ایران»، فصل‌نامه مطالعات ایرانی، سال اول، 1383، ص 45.
- 6- آفاری، ژانت، انجمن‌های نیمه سری زنان در نهضت مشروطیت، ترجمه جواد یوسفیان، تهران، نشر بانو، 1377، ص 26.
- 7- Saint nihal Singh, the Persian woman at the parting of the ways, in the english women, (London), February 7911. p178.
- 8- مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره دوم، 28 ذی القعدة 1328.
- 9- ملک‌پور، جمشید، ادبیات نمایشی در ایران، تهران، توس، 1362، ج دوم، ص 48.
- 10- مامیان، نورایر، هفتادمین سالگرد تأسیس انجمن خیریه ارمنی تهران، تهران، ط. میکاییلیان، 1355، ص 18.
- 11- تاج السلطنه، خاطرات تاج السلطنه، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدونادیان، تهران، نشر تاریخ ایران، 1362، ص 101-102.
- 12- لازاریان، همان‌جا، ص 149.
- 13- ملکی بخش‌مندی، آنوشیک، دایره المعارف زن ایرانی، تهران، نشر مرکزی و امور مشارکت بانوان ریاست جمهوری و بنیاد دانش‌نامه بزرگ فارسی، 1382، ج اول، ص 150-149.
- 14- تحقیقات میدانی، اطلاعات از دفتر انجمن خیریه زنان ارمنی

- 15- تحقیقات میدانی، اطلاعات از دفتر انجمن خیریه زنان ارمنی
- 16- تحقیقات میدانی، مصاحبه با خانم آستخ‌ئیک بابائیان، رئیس انجمن خیریه ارامنه ایران (زنان).
- 17- تحقیقات میدانی مصاحبه با خانم لوریک سمروجیان، رئیس انجمن هایگین.

#### تحقیقات میدانی

- خاطرات خانم‌ها سمیک کاراپتیان رییس انجمن خیریه زنان ارمنی تهران و از اعضای مؤسس انجمن هایگین.
- مصاحبه با آقای توپوزیان، رییس شورای خلیفه گری تبریز .
- مصاحبه با خانم آستخ‌ئیک بابائیان، رییس انجمن خیریه ارامنه.
- مصاحبه با خانم ارابغوسیان محقق و پژوهشگر ارمنی.
- مصاحبه با خانم شاکه پطروسیان، نقاش و خبرنگار ارمنی.
- مصاحبه با خانم لوریک سمروجیان، رییس انجمن هایگین (زنان).
- مصاحبه با خانم ژانت لازاریان، محقق و نویسنده ارمنی.

## منابع و مآخذ

- 1- آبادیان، حسین: «ارمنیان و انقلاب مشروطیت ایران»، فصلنامه مطالعات ایرانی، تهران، ص 1، 1383.
- 2- آبراهامیان، یرواند: ایران بین دو انقلاب، ترجمه: گروه مترجمان، تهران، نشر مرکز، 1377.
- 3- آفاری. ژانت: انجمن‌های نیمه سری زنان در نهضت مشروطه، ترجمه جواد یوسفیان، تهران، نشر بانو، 1377.
- 4- تاج‌السلطنه: خاطرات به کوشش: منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، تهران، نشر تاریخ ایران، 1362.
- 5- لازاریان ژانت: دانشنامه ایرانیان ارمنی، انتشارات، تهران، هیرمند، 1382.
- 6- مامیان، نورایر: هفتادمین سالگرد تاسیس انجمن خیریه ارمنی تهران، ط، میکاییلیان، 1353.
- 7- مجموعه اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند شماره 11-1/2960006905.
- 8- مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره دوم، 28 ذی‌قعدة 1328.
- 9- ملکپور، جمشید: ادبیات نمایشی در ایران، تهران، انتشارات توس، 1262، ج 2.
- 10- ملکی‌بخشمندی، آنوشیک: دایره‌المعارف زن ایرانی، تهران، نشر مرکزی امور مشارکت بانوان ریاست جمهوری و بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی، 1382، ج 1.
- 11- میناسیان، لئون: تاریخ ارمنیان جلفای اصفهان در یک صد و چهل سال اخیر، ترجمه: مولف محمدعلی موسوی فریدنی، اصفهان، انتشارات گلبن، 1383.
- 12- مجموعه اسناد آرشیو انجمن خیریه زنان ارمنی، تهران.
- 13- Saint Nihal singh, The Persian woman at the parting of the ways, in The English women ( London ), february 1911.